

## دستمزد مکفی خواست فوری طبقه کارگر است!

صفحه ۴

فردریش انگلس

## مزد روزانه عادلانه برای کار روزانه عادلانه؟

## از اجتماعات سراسری بازنشستگان حمایت کنیم!

## خوزستان کارگران شرمسار چاقوکشان زن کش

رژه با سر بریده زن نافرمان

صفحه ۷

سیاوش دانشور

## بیانیه کانون صنفی معلمان ایران در محکومیت

قتل فجیع مونا حیدری

## فراخوان تجمع سراسری معلمان ایران

شنبه، ۳۰ بهمن و سه‌شنبه، ۳ اسفند

## ستون اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی

تنظیم: سپیده امیر عسگری، آرش کلهر

اعلامیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست در رابطه با

## موج جدید بازداشت و دستگیری فعالین کارگری در کردستان

کارگر زندانی، معلم زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

۶۳۴

# مصلحتی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

۲۲ بهمن ۱۴۰۰ - ۱۱ فوریه ۲۰۲۲

## از درسهای انقلاب ۵۷

نه فقط نسل دهه نودی بلکه نسلهای قبل و آنهایی که بعد از انقلاب و تحت حاکمیت جمهوری اسلامی چشم به جهان گشوده اند، رابطه ای ملموسی با انقلاب ۵۷ و یکی از مهمترین و توده ای ترین انقلابات قرن بیستم ندارند. آنچه هست روایتیهای متعدد و متضاد از انقلاب و نگاه به آن تحولات از دریچه امروز و بویژه "نتیجه آن انقلاب" یعنی نظام اسلامی است. اما هر روایتی قبل از آنکه در باره حقیقت انقلاب چیزی بگوید، بدوا مکان اجتماعی و موضع راوی را راجع به آن انقلاب بیان میکند. حرکت انقلابی و توده ای و کارگری و اعتصابی که به سرنگونی رژیم سلطنتی منجر شد، طبعاً برای خلع ید شدگان کابوس و "روز سیاه" و "فاجعه" است. برای جریان اسلامی خمینی و مؤتلفیتش که دستور کار سرکوب انقلاب و مصون نگهداشتن نظم سرمایه داری از ضربات انقلاب را داشتند، کسانی که با نام "انقلاب"، انقلاب را بخون کشیدند، "پیروزی انقلاب اسلامی" است. برای کارگرانی که با اعتصاب و شوراها بمیدان آمدند، نسل جدیدی که سودای آزادی در سر داشت و از دیکتاتوری و استبداد و ساواک و فقر و شکاف طبقاتی بیزار بود، درسهای انقلاب متمایز است. یک تلاش برحق برای تغییر به خونین ترین شکل سرکوب شد.

خط تبلیغاتی سبکی که میگوید مردم برای اسلام انقلاب کردند و گویا هر

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## از درسهای انقلاب ۵۷...

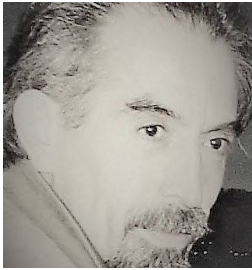
کدام میخواستند لچک برسر کنند، عمامه برسر بگذارند و خمینی به آیکون شان بدل شده بود، بحدی پوک است که حتی ارزش پاسخ ندارد. انقلاب با تبلیغات کسی رخ نمی دهد، انقلاب یک مکانیزم تغییر در جامعه است. انقلاب تنها زمانی رخ میدهد که کلیه راه حلهای بحران در بالا به بن بست رسیدند و جواب ندادند. انقلاب امری دستوری نیست، یک زلزله سیاسی و حرکتی اجتماعی برای برون رفت از بحران و پاسخ به سوالات محوری و مطرح در یک جامعه آستان انقلاب است. انقلاب ایران در شرایط جهانی و منطقه ای و داخلی مشخصی روی داد، جنبشها و جریانها و گرایشها مختلفی در جنبش همگانی و توده ای ضد سلطنتی شرکت داشتند. انقلاب ۵۷ درسها و تجارب فراوانی در قلمروهای مختلف دارد. اینجا به دو درس مهم و دورانساز اشاره میکنیم: اول، سیاست "همه با هم". دوم، تحزب کمونیستی کارگری.

### "همه با هم"

سیاست "همه با هم" در انقلاب ۵۷ بدرجه زیادی حاکم بود و عاملی شد که ابتکار عمل سیاسی حتی قبل از قیام ۲۲ بهمن از دست توده انقلابی و از جمله کارگران نفت خارج شود. قیام در دستور جریان اسلامی نبود، به آن تحمیل شد و فرجه ای را تا خرداد شصت با تمام کشمکشهای حاد بازگذاشت. سیاست "همه با هم"، "امروز فقط مرگ برشاه"، "امروز فقط اتحاد"، "ما همه با هم هستیم"، "آشتی ملی"، برای جنبشهای بورژوائی یک سیاست واقعی برای تامین رهبری شان بر جنبش توده ای جاری برای سرنوشتی و مدیریت دوره گذار با هدف حفظ اساس نظم کنونی و تداوم آنست. در این سیاست برخلاف ظاهر آن هیچ نوع پوپولیسمی وجود ندارد، از موضع بورژوازی که میخواهد انقلاب را متوقف کند و در اولین قدمها به سازش بکشانند و به خانه بفرستند، سیاست "همه با هم" و امروز فقط اتحاد" یک رکن مهم و اساسی است. اما برای طبقه کارگر و جنبشی که به تغییرات ریشه ای چشم دوخته است، سیاست "همه با هم"، مونتلف شدن با دشمنان قسم خورده انقلاب و تغییر است. کارگر و کمونیسم در تقابل با سیاست همه با هم، از صف مستقل طبقاتی، از حزب سیاسی، از شرکت کارگر در تحولات با پرچم انقلابی و سوسیالیستی سخن میگوید.

### تحزب کمونیستی و نمایندگی انقلاب

تحزب یک نیاز ضروری و از ملزومات جدی پیشروی طبقه کارگر در هر تحول انقلابی است. حزب از ابزارها و ضرورتهای تعیین کننده کشمکش طبقاتی است. طبقات اجتماعی لخت و عور در مقابل هم صف آرایی نمی کنند بلکه از طریق جنبشهای سیاسی و احزابی که این جنبشها بیرون داده اند، در قلمرو سیاست حضور بهم میرسانند. تجربه واقعی انقلاب ۵۷ اینست که کمر رژیم سلطنتی را حضور قدرتمند و اعتصابی طبقه کارگر و بویژه کارگران نفت شکست. طبقه کارگر و جنبش شورائی اش در پروسه سرنوشتی رژیم سلطنت نقش تعیین کننده داشت اما فاقد یک حزب کمونیستی با برنامه کارگری بود که نماینده و سخنگوی آن جنبش مشخص در آن تحول انقلابی مشخص باشد. طبقه



کارگر تاوان این کمبود را با نابودی نسلی از رهبران کارگری و سرکوب خشن شوراهای و سرکوب سازمانهای چپ و کمونیستی داد. تجارب تحولات دهه گذشته در کشورهای خاورمیانه نیز بر همین خلاء اساسی صحنه میگذارد. تبلیغات بورژوازی تلاش دارد کل تجربه سرمایه داری دولتی بلوک شرق را به حساب "کمونیسم"

بگذارد، علیه احزاب کمونیستی و نفس نقد کمونیستی و مارکسیسم سخن بگوید. یک گرایش حاشیه ای در چپ و میان کارگران نیز، بخشا از سر آنارشیزم و بخشا از سر ضدیت با لنین و احزاب لنینی و کلا تحزب سیاسی، تحزب گریزی را در میان کارگران اشاعه میدهد. تحزب گریزی گرایشی است که میخواهد کارگر بدون آمادگی و تشکل و بدون تامین صف مستقل طبقاتی در جدال حاد جاری حضور یابد. این یعنی بردن دست و پا بسته کارگران به مسلخ بورژوازی هار و تا دندان مسلح در یک دوره تند تحول سیاسی که کارگر و کمونیسم نیازمند اعمال قدرت در تمام سطوح است.

ما به کارگران کمونیست و پیشرو و فعالین جنبش شورائی میگوئیم که کمونیسم یک گرایش زنده و حی و حاضر در درون طبقه است و جنبش طبقه ما به حزب سیاسی خودش نیاز دارد. جنبش طبقه ما را ممکن است حزب یا احزابی کارگری نمایندگی کنند اما در هر حال حزبیت جزء لاینجزای تشکل و مبارزه طبقه است و فقدان آن نتایج خونباری ببار می آورد. این تصور که طبقه کارگر در یک روز آفتابی توسط تشکلهای توده ای خود برمیخیزد و علیه سرمایه داری قیام می کند، زیادی سانتال و خود خشنودکن است. این مبارزه پیچیده تر و چند وجهی تر است. اگر جنبش شورائی کارگری یک رکن مهم حضور طبقه در تحول انقلابی است، حزب کارگری کمونیستی و دربرگیرنده رهبران کارگری رکن اساسی تر برای سرنوشتی و انقلاب کارگری علیه سرمایه داری است. لذا ما ضرورت عاجل نیاز حزب را به کارگران کمونیست و سوسیالیست و پیشرو اکیدا یادآوری می کنیم و آنها را به متحزب شدن و ترجیحا کار مشترک با حزب حکمتیست دعوت میکنیم. از نظر ما حزب کمونیستی باید ابزار و حزب مبارزه کارگری، حزب برافراشتن برنامه و سیاستهای طبقه کارگر برای آزادی جامعه باشد. کمونیسم جدا از مبارزه کارگری و کارگر جدا از کمونیسم، هر دو، محکوم به شکست اند.

سردبیر.

۲۲ بهمن ۱۴۰۰

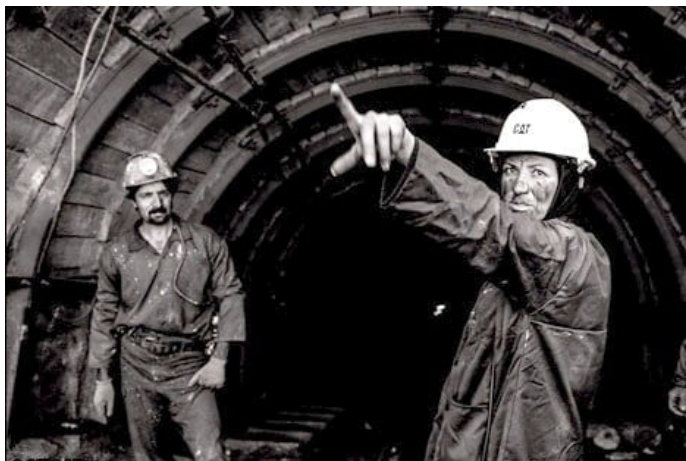
**جهان بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید  
سوسیالیسم، بدون «خطر» سوسیالیسم، به چه  
منجلاهی تبدیل میشود!**

منصور حکمت

**آزادی، برابری، رفاه همگانی!**

اعلامیه حزب حکمتیست در باره تعیین دستمزد سالانه کارگران

## دستمزد مکفی فوری طبقه کارگر است!



بار دیگر دولت و کارفرمایان، برای تحمیل دستمزدی چند بار زیر خط فقر به کارگران دورخیز کرده اند. سیاست دولت بعنوان بزرگترین سرمایه دار و کارفرمایان، ارزان سازی مستمر نیروی کار و افزایش سود سرمایه است. خط فقر رسمی در ایران بالای شانزده میلیون و در کلان شهرها بیشتر است. دستمزد فعلی و شیوه "افزایش" آن براساس نرخ تورم جعلی بانک مرکزی، کماکان دستمزدها را دستکم سه بار و در بخشهای بیشتری چند بار زیر خط فقر نگاه میدارد. هدف طرح و لایحه "دستمزد توافقی" و "دستمزد منطقه ای"، که مجموعاً دستمزد دریافتی کارگران را باز هم کاهش میدهد، بازتولید ارزانتر نیروی کار است. همینطور قدرت خرید واقعی کارگران با گرانی بیوقفه و تورم سنگین و تبعات شناور کردن نرخ دلار هر روز سقوط می کند. سرکوب رهبران کارگری، ممنوعیت تشکل و تحزب کارگری و گسترش استبداد در کل جامعه، سنگ بنای سیاست تهاجم مستمر به سفره خالی کارگران است.

از نظر ما و کارگران پیشرو و کمونیست، "شورای عالی کار" بعنوان نهادی کارفرمایی متشکل از دولت و کارفرما و چند مزدور حکومتی، صلاحیت تعیین حداقل دستمزدها را ندارد. کارگران کمونیست مخالف الگوی سه جانبه گرایی هستند و تصمیمات نهاد کارفرمایی "شورای عالی کار" را برسمیت نمی شناسند. مرجع تعیین دستمزدها تنها در صلاحیت نمایندگان واقعی و منتخب طبقه کارگر از جمله مجمع عمومی کارگران است. یک هدف طرح "دستمزد منطقه ای و توافقی"، برداشتن هر نوع قانون و چهارچوبی در رابطه کارگر و کارفرما و تداوم محرومیت کارگر از تشکل و قرارداد دستجمعی و امنیت شغلی است.

حزب حکمتیست همراه با کارگران پیشرو در تعیین و طرح خواستههای طبقه کارگر خود را به "امکانات و مقتدرات" بورژوازی محدود نمیکند. همینطور محاسبه حداقل دستمزدها براساس میزان نرخ تورم و یا با شاخص خط فقر سیاست ما و کارگران کمونیست نیست. ما مخالف شدید نظامی هستیم که هر روز صدها میلیون دلار هزینه فساد و تروریسمش است اما برای طبقه کارگر و مردم محروم "سبد خانواده کارگری" تعیین می کند. کشمکش واقعی در ایران برسر نفی این آپارتاید طبقاتی و فلاکتی است که توسط طبقه حاکم به دهها میلیون کارگر و خانواده هایشان تحمیل شده است. نقطه عزیمت ما حق بی چون و چرای همه ساکنین کشور برای برخورداری از یک زندگی مرفه و انسانی است. سیاست ما در هم شکستن سیاست تشدید فقر و بمیدان آوردن بخشهای مختلف محرومان زیر پرچم طبقه کارگر علیه فقر و فلاکت است.

### "دستمزد و حقوق پایه مکفی" شعار روز طبقه کارگر

از آنجا که کارگران ایران بدلیل سرکوب سیاسی فاقد سازمانهای توده ای مستقل از دولت هستند و اساساً در روند تعیین دستمزدها نقشی ندارند، همینطور بیشتر کارگران از شمول همان قانون ضد کارگری کار بیرون گذاشته شده اند و اصلاحیه های جدید قانون کار بخش بیشتری از کارگران را محروم تر و غیر ایمن تر میکند، از آنجا که تعیین حداقل دستمزد کارگران به مبنای برای تعیین دریافتی دیگر بخشهای اردوی

کار تبدیل میشود، با توجه به اینکه بخش مهمی از جامعه در فقر و نداری دست و پا میزند و هیچ ارگانی مسئولیت این وضعیت را بعهده نمی گیرد؛ سیاست طبقه کارگر برافراشتن پرچم دستمزد و حقوق پایه مکفی برای کلیه شهروندان و افراد آماده به کار است. سیاست طبقه کارگر، نظر به محدودیت های جدی شمول حداقل دستمزد و رفع مسئولیت دولت از تامین معیشت دهها میلیون حاشیه نشین و بیکار و مردم فقر زده، پاسخی به این سوال محوری و کلیدی جامعه است.

از نظر عملی، نظر به سرکوب و فقدان سازمانهای کارگری مستقل و برسمیت شناخته شده، دخالت طبقه کارگر در روند تعیین دستمزدها، تنها با عمل مستقیم کارگری و متکی شدن به مجمع عمومی ممکن است. یک جنبش مجمع عمومی حول افزایش دستمزدها و تعیین دستمزد و حقوق پایه مکفی، میتواند محدودیتهای کنونی را دور بزند و طبقه کارگر را با پرچمی فراگیر بیش از پیش جلوی صفوف مبارزه آزادیخواهانه و انقلابی برای آزادی و برابری و رفاه قرار دهد.

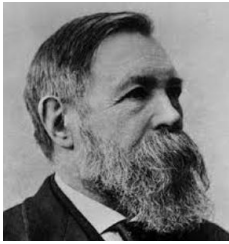
دستمزد پایه کارگران باید شامل همه طبقه کارگر اعم از شاغل و بیکار و بازنشسته، تولیدی و خدماتی، بدون هیچ استثنائی شود. این دستمزد پایه، اولاً باید جوابگوی تامین هزینه ها و لوازم درخور زندگی انسان امروز باشد و ثانیاً همین میزان بعنوان حقوق پایه مکفی به همه افراد تعلق گیرد. هیچ شاغل یا آماده بکار یا شهروندی نباید از حداقل حقوق پایه که بالاتر از خط فقر است و میزان آن توسط مجمع عمومی نمایندگان کارگران تعیین میشود، دریافت کند.

حزب کمونیست کارگری- حکمتیست بخشهای مختلف طبقه کارگر را برای برافراشتن خواست دستمزد و حقوق پایه مکفی فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۵ دیماه ۱۴۰۰ - ۵ ژانویه ۲۰۲۱

**جنبش مجمع عمومی را گسترش دهیم!**



## مزد روزانه عادلانه برای کار روزانه عادلانه؟

فردریش انگلس

عادلانه است، آری حتی آنچه بنا به قانون عادلانه است، می‌تواند با آنچه از نظر اجتماعی عادلانه است، بسیار تفاوت داشته باشد. درباره عدالت یا بی عدالتی اجتماعی می‌توان فقط به کمک یک علم داوری کرد، به وسیله علمی که به واقعیات مادی تولید و مبادله می‌پردازد، یعنی علم اقتصاد سیاسی.

خوب، اکنون بر اساس اقتصاد سیاسی چه چیزی مزد روزانه عادلانه و کار روزانه عادلانه نامیده میشود؟ خیلی ساده، سطح مزد، مدت زمان و شدت کار روزانه ای که به وسیله رقابت میان کارفرمایان و کارگران در بازار آزاد، تعیین می‌گردد. خوب، اینک که دستمزدها به این نحو تعیین می‌گردند، چیستند؟

مزد روزانه عادلانه در شرایط عادی، مبلغی است که برای گذران زندگی کارگر ضروری باشد، یعنی هزینه‌ی زندگی که او بر اساس سطح زندگی، موقعیت خود و کشور لازم دارد تا قادر به ادامه کار و بقای نسل خود باشد. سطح واقعی مزد می‌تواند بنابر نوسان‌های جاری بازار، گاهی بالاتر و گاهی پایین‌تر از این میزان [دستمزد] باشد ولی در شرایط عادی این مبلغ باید به هر حال میانگینی از تمامی نوسان‌های مزدها باشد.

کار روزانه عادلانه به معنی آن مدت از کار روزانه و آن شدت از کار واقعی است که در آن یک کارگر تمام نیروی کار یک روزکار خود را به مصرف رسانده باشد، بدون آنکه برای انجام کار در فردای آن روز و یا روزهای بعد از آن لطمه ای وارد آمده باشد. بر این اساس، موضوع می‌تواند به شرح زیر بیان شود: کارگر تمام نیروی کار یک روز خود را به سرمایه دار می‌دهد، یعنی تا درجه‌ای که برایش شدنی باشد و بدون آنکه تکرار دوباره آن ناشدنی گردد. در برابر، او درست همان مقدار از نیازهای زندگی [حداقل] دریافت می‌کند که ادامه همان فعالیت را برای او امکان پذیر می‌سازد، همین و نه بیشتر. بنا به سرشت این قرارداد، کارگر هر چه بیشتر و سرمایه دار هر چه کمتر مایه می‌گذارد. این کاملاً گونه‌ی ویژه‌ای از عدالت است!

ولی، می‌خواهیم ژرفتر به این موضوع بپردازیم: از آنجا که از دیدگاه اقتصاددانان سیاسی، مزد و مدت کار، بر پایه‌ی رقابت تعیین می‌شود، عدالت باید به ظاهر چنین باشد که هر دو طرف، در شرایط مساوی، نقطه حرکت عادلانه یگانه‌ای داشته باشند. اما موضوع به این صورت نیست. اگر سرمایه دار نتواند با کارگر به سازش برسد، این امکان برای وی وجود دارد که در انتظار بماند و در این مدت از سرمایه‌ی خود، زندگی بگذراند. اما کارگر قادر به این کار [بدون کار] نیست. او فقط از دستمزدش زندگی می‌کند و به این جهت باید در هر زمان، در هر جا و زیر هر شرایطی به کار بپردازد. برای کارگر، نقطه

مقدمه: در فصل تعیین دستمزدها و در اعتراضات بعضا شعار "دستمزد عادلانه" مطرح میشود. سال گذشته نیز بیانیه ای با عنوان "اعتراض به مصوبه ی غیرقانونی حداقل دستمزد، که شش هزار نفر آنرا امضا کرده بودند، مطالبه لغو مصوبه دستمزد و برقراری مذاکرات برای رسیدن به مزد عادلانه" را طرح کرده بود. این شعار توهم برانگیز و غیر انتقادی به بردگی مزدی است. اینکه جنبش کارگری در انگلستان در زمان جنبش چارتیستی شعار "دستمزد عادلانه برای روزکار عادلانه" را طرح کرد، موجبی برای طرح وارونه این شعار در قرن بیست و یکم نیست. نه کارگران انگلستان و نه کارگران هیچ جای دنیا امروز با توجه به تغییراتی که در بارآوری کار صورت گرفته است این شعار را طرح نمیکنند. "دستمزد عادلانه" از موضع اقتصاد سیاسی بورژوائی ربطی به "عدالت" از موضع کارگر و منافع کارگری ندارد. آنچه برای بورژوازی و کارفرما "عدالت" است برای کارگر عین بی عدالتی است و برعکس.

اما واقعیت اینست که دستمزد در سرمایه داری هیچوقت عادلانه نیست. کار مزدی نماد بردگی است. بردگی مزدی را هرچه مرمت کنیم هنوز بردگی است. کارگران در چهارچوب این نظام تلاش میکنند بخشی از ارزش اضافه تولید شده را با مبارزه و جانفشانی بازگردانند و یا با اعتصابات و مبارزات قهرمانانه تلاش دارند موقعیت کارگر را در مقابل سرمایه دار مساعد کنند. این مبارزه دائمی و تعطیل ناپذیر است چون از زندگی واقعی و سوخت و ساز مادی مبارزه کارگر در این نظام ریشه دارد. اما در مورد دستمزد عادلانه باید گفت این "عدالت" همواره برای کارفرما وجود دارد و هرچه میزان استثمار و کار اضافه بیشتر باشد، هرچه کارگر کمتر مزد بگیرد و اسپرتر و سربیزتر و قانع تر باشد، از موضع سرمایه "عدالت" بیشتری اجرا شده است، و برعکس، هرچه کارگر پر توقع تر، مرفه و ایمن تر باشد، از نظر سرمایه "عدالت" اجرا نشده است. "مزد عادلانه روزانه در برابر کار عادلانه روزانه" از موضع و منفعت سرمایه دار یعنی مزد کمتر و ساعات کار بیشتر یا شدت کار بیشتر و تولید سود بیشتر. از نظر کارگر اما دقیقاً برعکس است و هرچه این مقیاس‌ها در قلمروهای مختلف به ضرر کارفرما و نفع کارگر باشد، صرفاً گوشه ای از آلام بردگی کارگر در مناسبات کنونی را کم کرده است اما هنوز بردگی مزدی است. "دستمزد عادلانه" در سرمایه داری بطور کلی و در کشورهای استبدادی مانند ایران بطور اخص توهم پراکنی به عدالت در بردگی است. سردبیر.\*

## مزد روزانه عادلانه برای کار روزانه عادلانه؟

فردریش انگلس

خوب، اما مزد روزانه عادلانه و کار روزانه عادلانه چیست؟ و اینها چگونه به وسیله قوانینی که جامعه مدرن [بورژوائی سالهای ۱۸۰۰] ، همراستا با آنها موجودیت یافته و تکامل می‌یابد تعیین می‌شوند؟ برای یافتن پاسخی برای این پرسش، بایستی نه به علم اخلاق یا حقوق و یا عدالت استناد ورزیم و نه به احساسات ظریف انساندوستانه و دادگری و حتی رحم و مروت دلسوزانه پناه جویم. آنچه از نظر اخلاقی

دستمزد است - باید نکاتی را گفته شوند. اما، به ناچار این موضوع را به زمان دیگری وامی گذاریم. از آنچه بیان شد، آشکار می‌گردد که این شعار قدیمی، کهنه شده است و امروز دیگر اعتباری ندارد. عدالت اقتصاد سیاسی، به راستی عدالتی که سبب تثبیت قوانین حاکم بر جامعه کنونی شده است، عدالتی کاملاً یک جانبه بوده و به سود سرمایه دار است. از این روی، باید شعار انتخاباتی قدیم را برای همیشه به خاک سپرد و شعار دیگری را جایگزین آن کرد. این خود رنجبرانند که باید صاحب ابزار کار، مواد خام، کارخانه ها و ماشین ابزارها باشند.

\*\*\*

## مزد روزانه عادلانه برای کار روزانه

### عادلانه؟ ...

حرکت عادلانه‌ای وجود ندارد کارگر به علت گرسنگی در وضع کاملاً نامناسبی قرار دارد. با وجود این، بنا به اقتصاد سیاسی طبقه سرمایه دار، این کمال عدالت است.

البته این حداقل موضوع است. به کار بردن نیروی مکانیکی و دستگاههای ماشینی در حرفه‌های جدید و گسترش و تکامل دستگاه ماشینی در حرفه‌هایی که فعلاً رواج دارند، پیوسته و فزاینده "دست‌ها" را از محل کار خود بیرون می‌راند و این امر بسیار تندتر از به کار گماشتن "دست‌های" زیادتر از نیاز توسط کارخانه‌های جدید کشور صورت می‌گیرد. این "دست‌ها" به عنوان یک ارتش ذخیره کامل در اختیار سرمایه قرار می‌گیرند در مواردی که وضع بازار بد باشد، گرسنگی می‌کشند، به گدایی می‌پردازند، دزدی می‌کنند و با آنکه به کارگاه می‌روند (نگاه کنید به صفحه‌های بعد)، در آن هنگام که وضع بازار خوب است، برای گسترش تولید، مورد استفاده قرار می‌گیرند و تا زمانی که نه تنها تمام مردان بلکه تمام زنان و کودکان، کار پیدا نکرده باشند - یعنی آنچه می‌تواند تنها هنگام اضافه تولید سرسام آور مورد داشته باشد - رقابت (میان افراد) این ارتش ذخیره، سبب پائین نگاهداشتن دستمزدها شده، سبب نیرومندی سرمایه در مبارزه علیه کارگران می‌شود. کارگران نه تنها در این مسابقه با سرمایه وضع بسیار نابسامانی دارند، بلکه باید وزنه سنگینی را نیز که به پایشان بسته شده است، به همراه بکشند. البته این امر از نظر اقتصاد سیاسی سرمایه داری به معنی عدالت است! اینک به این بررسی می‌پردازیم که سرمایه با کدام منبع می‌خواهد این دستمزد کاملاً عادلانه را پردازد. طبیعی است به وسیله سرمایه. ولی سرمایه که ارزشی نمی‌آفریند و به استثنای ملک و زمین، [نیروی] کار تنها آفریننده ثروت است. سرمایه چیزی نیست به جز انبوهی از محصول کار. بنابراین چنین نتیجه گیری می‌شود که مزد کار به وسیله خود [نیروی] کار پرداخت می‌شود و کارگر دستمزدش را از محصول کار خود دریافت می‌کند. بنا به آنچه معمولاً عدالت نامیده می‌شود که:

مزد کارگر باید عبارت از محصول کار او باشد و این، بر اساس اقتصاد سیاسی عادلانه نیست. برعکس، محصول کار کارگر نصیب سرمایه دار می‌شود و کارگر جدا از نیازهای زندگی خویش چیزی به دست نمی‌آورد. به این گونه، سرانجام و پایان این مسابقه غیر عادی رقابت "عادلانه" ای است که محصول کار کسانی را که کار می‌کنند، گریز ناپذیر در دست آنها می‌گذارد که کار نمی‌کنند انباشته می‌سازد و محصول کار در دست آنها، به ابزاری نیرومند، برای به بردگی گرفتن کسانی که آنرا تولید کرده‌اند، تبدیل می‌شود.

مزد روزانه عادلانه برای کار روزانه عادلانه. درباره کار روزانه عادلانه - که عادلانه بودن آن نیز درست از قماش همان عادلانه بودن

### یکشنبه های اعتراضی

یکشنبه همه با هم می‌آییم تا فریاد بزنیم مطالبات بر زمین مانده خود را:

- اجرای کامل #همسانسازی
- عیدی دو برابر حقوق
- تعیین حقوق بر مبنای هزینه های واقعی خانوار و افزایش آن
- #متناسب با نرخ تورم واقعی
- اجرای ماده ۱۱۱ (مستمری از کارافتادگی و بازماندگان نباید از حداقل مزد کارگر کمتر باشد).
- #بیمه جامع و کارآمد مطابق ماده ۵۴ قانون تامین اجتماعی
- پرداخت دیون ۴۰۰ هزار میلیارد تومانی دولت به صندوق تامین اجتماعی
- آزادی فوری و بی قید و شرط #اسماعیل گرامی

وعده دیدار ما:

یکشنبه: ۲۴ بهمن ساعت: ۱۰/۳۰

تهران: مقابل مجلس،

شهرستانها: مقابل ادارات کل تامین اجتماعی

فراخوان از طرف ۳۱ تشکل مستقل بازنشستگان سراسر کشور که پیشتر اسامی امضاکنندگان منتشر گردید!

### کارگران و معلمان زندانی،

کلیه زندانیان سیاسی آزاد باید گردند!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

## خوزستان کارگران شرمسار

### چاقو کشان زن کش

سیاوش دانشور

اهواز شهر شور و اعتصاب، شهر رفاقت و شبهای کارون، شهر کارگران فولاد و هفت تپه، درست مانند روزهای جنگ خونین است. اینبار اما جنگ از داخل است، از اعماق و حاشیه های فقر و نداری، از بقایای فرهنگ عشیره ای، از جهالت و تعصبات ضد انسانی و ضد زن، از جانب مردان و خانواده هایی که نامشان حیوان هم نیست.

اتفاق تکان دهنده و وحشتناکی رخ داده است. مونا حیدری ۱۷ ساله را گوش تا گوش در خیابان سر بریدند و سر بریده اش را در دو خیابان شهر گردانده اند. تصور این واقعه هنوز سخت است. راستی، داعش در اهواز بوده؟ نه، داعش در درون جمجمه ها خیمه زده است. در جنگ صدام حمله کرد و شهرهای خوزستان را گرفت، اینبار یکی بدتر از صدام حمله کرده و مغزها را تسخیر کرده است. اینبار تماماً به اسارت درآمده ایم!

در خوزستان تنها در فاصله دو سال گذشته حداقل ۶۰ زن تحت عنوان "ناموس" به قتل رسیده اند. حتی یک مورد آن با شکایت و اقدامی روبرو نشده است. این یعنی چه؟ یعنی وضعیتی داریم که از یکطرف در فقر و بدبختی و بی آبی و بیکاری می لولیم، از طرف دیگر از بخشی از قربانیان با خرافات حیوانی ساخته اند که می توانند با داس و چاقو بنام "دفاع از ناموس" آدم بکشند.

اما ناموس و تعصب و تشویق به آدمکشی را همانهایی در مغزها فرو کرده اند که قبل از آن ما را دستجمعی به فقر و فلاکت محکوم کردند. به قاتل مونا گفته اند "آفرین پهلوان، تو مردی واقعا!" اگر "مردانگی" و "پهلوان" بودن با ریختن خون زن و فرزند بی دفاع ثابت میشود، تف به آن مردانگی و پهلوانی! تف به آن غیرت که فرزند و همسر را سلاخی میکند! تف به آن ناموس! اگر جنایت در حق فرزند و خانواده اسمش "آزادگی" است، ما هنوز در قعر قعر دوران عشایر و قبایل عهد عتیق درجا میزنیم.

مردم آزاده اهواز، کارگران خوزستان، بیدار شوید! اهواز کارگران شرمسار شده است. اهواز مردمان نیک سرشت با چاقوی داعش کودک کشی و زن کشی لکه دار شده است. بیدار شوید! این قربانیان فرزندان خانواده بزرگ کارگرانند. مونا یکی از ما بود. آن شصت زن به قتل رسیده از ما بودند. این زنجیرهای نامرئی را نمی بینید؟ موناها که قربانی ناموس پرستی و غیرت شدند دختران و خواهران ما بودند، عضوی از خانواده بزرگ کارگری و زحمتکشان بودند. اهواز باید با این جنایت هولناک منفر می شد، باید از امنیت فرزندانمان، از امنیت شهر، از حیثیت اش، دفاع کند.

کارگران خوزستان تاریخی از مبارزه و اعتراض پشت سر دارند که با افکار پوسیده مورد هجوم قرار گرفته است. بیدار شوید که داعش و طالبان در بغل گوشتان خیمه زده و سربازانش با حمایت قانون و فرهنگ ناموس پرستی آدم می کشند. جامعه انتظار دارد که کارگران خوزستان کاری بکنند. میدانم بسیاری از این خیر داغان هستند اما سکوت در مقابل این فجایع وحشتناک، اگر به معنای تائید ضمنی نباشد، بدون شک راه را برای تکرار آنها تسهیل می کند. اینها موانعی هستند که هر کدام مانند یک سنگر بتونی در سر راه مبارزه آزادیخواهانه کارگری قرار دارند.

امروز ایران و خوزستان صدائی برای تسکین و امید می طلبد، آن صدا تنها کارگران هستند.

\*\*\*

## گشت و گذار با سر بریده زن نافرمان

### به کجا میرویم!

امروز خیابانهای اهواز، همان خیابانهایی که زیر پای کارگران قهرمان فولاد و هفت تپه میلرزیدند، صحنه نمایش شنیع ترین و بیرحمانه ترین عمل ممکن بود. مردی با چاقویی خونین در یکدست و سر از بدن جدا شده همسر ۱۷ ساله اش در دست دیگر، با نیش باز و مغرور رژه میروید. او با این حرکت، از «ناموس» اش دفاع میکند و سند آن را مانند یک پلاکارد در دست گرفته است!

این فیلم و داستان ترسناک و کارناوال هالووین نیست، واقعی واقعی است. این سند سقوط عمومی و بروز عقب ماندگی و جهالت و رذالتی است که اسم شب خرافه ای بنام ناموس در تاریخ اسلام و ایران است. خیلی ساده و فارغ از هر نگرانی قانونی، می نشینند و نقشه می ریزند، آلات قتاله را از پیش فراهم میکنند، با خونسردی سر زن نافرمان را از تن جدا میکنند، به لنگر قانون و سنت تکیه میدهند. این جامعه و نظامی است که قتل زنان نافرمان را تشویق و حمایت میکند.

این واقعه برای هر جامعه نسبتاً سالم یک تراژدی محسوب میشود و با همین عنوان با آن برای اجتناب از تکرار و کم کردن تاثیرات منفی اش رفتار میشود. تراژدی ما اینست که قانونا زن کشی و سببیت تشویق میشود و جامعه در ابعاد وسیع در قبال آن واکنش نیست.

با خبر بر زمین افتادن هر زنی، یکبار دیگر پُتک ارتجاع عهد عتیق و جدید زن ستیزی، بر فرق جامعه میگوید که آزادی و برابری «میوه ممنوعه» است! ما یا در این جنگ بر ارتجاع و زن ستیزی در کلیه اشکال آن فائق می آئیم و یا هر روز و هر ساعت بعنوان مختلف شاهد بر خاک افتادن جان شیفته دیگری خواهیم بود.

\*\*\*

آموزش رایگان برای همگان!

## #بیانیه\_کانون\_صنفی\_معلمان\_ایران\_در\_#محکومیت\_قتل\_فجیع\_مونا\_حیدری،

### کودک همسر اهوازی



دو. علاوه بر قوانین زن سنتیز، ریشه دیگر تداوم چنین جنایاتی، فرهنگ ارتجاعی و سنت های زن سنتیزانه در برخی مناطق ایران است. آنچه که بیش از هر چیز می تواند، مانع از تداوم چنین فرهنگی در نسلهای بعدی شود، آموزش های مدرن، نوین و انسانی است. دقیقاً از همین رهگذر است که تشکل های صنفی فرهنگیان سالهاست که

نقد به آموزش ایدئولوژیک را جزئی از مطالبات خود برمی شمارند. از همین زاویه مسئولیت معلمان در جهت آموزش ارزش های انسانی به کودکان مهم و تعیین کننده است. این مهم اگرچه باوجود سبیطره آموزش ایدئولوژیک در مدارس ایران کاری دشوار و پرهزینه است، با این وجود برای جلوگیری از تکرار فجایعی همچون قتل مونا حیدری لازم و ضروری است. در نتیجه وظیفه معلمان و جامعه فرهنگیان در جلوگیری از چنین فجایعی از این زاویه غیر قابل کتمان است.

سه. معلمان زن در طی یک دهه اخیر نشان داده اند که در صف مطالبه گری و حق خواهی پیشگام جنبش معلمان هستند. حضور گسترده زنان معلم در فعالیت های صنفی، دفاع از مطالبات زنان در جامعه ایرانی را به عنوان یکی از وظایف تشکل های صنفی فرهنگیان برجسته می سازد. در نتیجه کانون ها و انجمن های صنفی معلمان، علاوه بر اینکه به لحاظ ماهیتی موظف به مقابله با هر نوع بی عدالتی در جامعه هستند، به لحاظ کارکردی باید نقش زنان معلم در انسجام بخشی و پیشروی جنبش معلمان را در نظر گیرند. براین اساس مقابله با ساختارهای زن سنتیزانه در شرایط کنونی جامعه ایرانی از وظایف تشکل های صنفی فرهنگیان است.

در پایان کانون صنفی معلمان ایران ضمن محکومیت قتل فجیع مونا حیدری، کودک همسر اهوازی، و عرض تسلیت به همه زنان ایرانی که در همه این سالها زیر فشار قوانین زن سنتیزانه زندگی کرده اند، اعلام می دارد که مسئولیت مرگ مونا حیدری و دیگرانی همچون مونا، با حاکمیتی است که در تداوم، تثبیت و اجرای این قوانین عقب مانده اصرار دارد و علاوه بر آن با گفتمان سازی حول ارزش های ارتجاعی همچون ناموس و غیرت، به دفاع از جنایتکاران می پردازد.

کانون صنفی معلمان ایران  
۱۴۰۰/۱۱/۲۱

به نقل از کانال تلگرامی کانون صنفی معلمان ایران

در شرایط اقتصادی اسفناک حاکم بر زندگی مردم ایران، و در حالیکه هر روز شاهد خبرهایی از خودکشی معلمان، کارگران، بازنشستگان و دیگر اقشار فرودست جامعه هستیم، تصاویر هولناک فاجعه اهواز، جامعه در حال تلاطم ایرانی را با شوکی دیگر مواجه ساخت.

بنا بر آمارهای غیر رسمی دست کم شصت زن در استان خوزستان در طی دو سال گذشته قربانی قتل های ناموسی بوده اند که در هیچ کدام از آنها عاملان جنایت مجازات نشده اند.

از طرف دیگر گسترش خشونت، فساد و بزهکاری در شرایط کنونی، به جایی رسیده است که بنا بر نظر پژوهشگران اجتماعی، سن فحشا در دختران به دوازده سالگی و سن دزدی در پسران به هفت سالگی رسیده است.

اگر چه امروز دیگر این آمارها بخشی عینی از زندگی هر روزه مردمان این سرزمین است، اما جنایت اهواز پرده دیگری از این انحطاط رو به گسترش را نمایان ساخت.

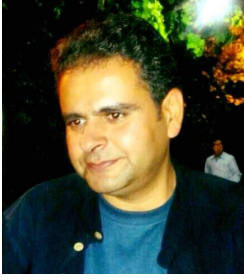
اینکه شوهری با سر بریده همسرش در کوچه و خیابان به اغوای تماشاگرانش پردازد، نمادی از یک جامعه عقب مانده نیست، به عبارت دیگر بدویت محض است!! این دقیقاً همان چیزی است که سالهاست پژوهشگران حوزه های اجتماعی و سیاسی هشدار آن را می دهند، یعنی فروپاشی جامعه ایرانی.

\* بر همین اساس کانون صنفی معلمان ایران لازم می داند نکات زیر را به سمع و نظر مردم ایران و بویژه فرهنگیان شریف برساند:

یک. قتل مونا حیدری کودک همسر اهوازی بدون بسترسازی قوانین زن سنتیزانه کنونی امکان پذیر نیست. اینکه کودکی در سن دوازده سالگی با اصرار خانواده و بدون اینکه از حمایت های قانونی بهره مند شود تن به ازدواج اجباری می دهد، سرآغاز وقایعی است که در نهایت به چرخاندن سر بریده اش در کوچه و خیابان منجر می شود.

قوانین عقب مانده کنونی، بیشترین آسیب ها را به زنان جامعه ایرانی وارد می سازد و به هیچ عنوان نه با خواست ملت، نه با عرف جامعه و نه با نگرش امروزی زنان ایرانی همخوانی ندارد. از طرف دیگر این قوانین زن سنتیزانه فرصت لازم را برای برخی مردان روان پریش فراهم می سازد که با آسودگی خاطر دست به جنایت علیه زنانی بزنند که به عنوان خواهر، مادر یا همسر، نخواستند در چارچوب باورهای ارتجاعی و سنتی حاکم زندگی کنند. مسئولیت تداوم چنین قوانین عقب مانده ای مستقیماً بر عهده کلیت حاکمیت کنونی در ایران است.

**کارگر، معلم پیاخیز، برای رفع تبعیض!**



سیاسی و اقتصادی، جنگهای نیابتی و عامل بدبختی در سوریه، عراق، لبنان، یمن و... اینها بصورت فهرست وار تنها بخشی از "دستاوردهای حکومت" است که بقول خمینی قرار بود "آب و برق را مجانی کند و مردم را به مقام انسانیشان برساند!"

امروز پر رنگ تر از هر زمان مصاف و جنگ طبقاتی در ایران در جریان است، کارگران پیشرو در بسیاری از مراکز عملا حکومت را بمصاف طلبیدند و در مواردی وادار به عقب نشینی کرده اند، فرهنگیان بصورت منسجم علیه قوانین تبعیض آمیز حکومت خامنه ای بمیدان آمدند، بازنشستگان فریاد میزند شما دروغ گوئید، نسل جوان که قرار بود در زیر بمباران عقیدتی حکومت "نسل مدافع انقلاب" باشند، در امام زاده تئلو میخواند! در یک کلام سالهاست که در کف خیابان مردم کارگر و زحمتکش و ناراضی فریاد زدند مرگ بر خامنه ای و حکومت اسلامی!

امروزه ترس رژیم نه تنها از فعالین سیاسی و آزادیخواهانی است که با تمام محدودیتها با آنها مبارزه میکنند، بلکه وحشت جمهوری اسلامی حتی از کسانیست که در زندانها اسیر هستند. اسیرانی که با شدیدترین محدودیتها و انواع شکنجه روبرویند، با اینحال نقشه حذف و کشتن آنها و خفه کردن صدایشان در دستور است. جمهوری اسلامی از بکناش آبنین ترسید و بقتلش رساند، سپیده قلیان برایش کابوس شده و هر روز بیشتر سعی میکند او را ایزوله کند و ده ها و صدها زندانی دیگر که هر دقیقه مورد آزار حکومت هستند. قطعا خامنه ای بهتر از هر کسی میداند که در توازن قوا میان حکومت و مردم، آبان ۹۸ یک نقطه عطف برای شمارش معکوس سقوط حاکمیتش شد. تمام تلاش حکومت در این چند سال برای از سر گذراندن بحران و دست و پا زدن ها، نه تنها نتیجه نداشته بلکه هر روز پایه های حکومت سست تر و آشفتنگی سیستم عیان تر شده و در نتیجه سرکوب شدید تر و خشن تر گشته است.

خامنه ای حق دارد بترسد، حتما او هم مثل شاه "صدای انقلاب مردم" را شنیده و سرنوشتی مشابه برای خودش متصور است. بذر شومی که برای سرکوب در سال ۵۷ در مسیر انقلاب مردم کاشته شد، درختی شد در گندابی بنام جمهوری اسلامی، که باتمام سترگی پوچش از درون کرم خورده و پوسیده است و درخت کنار گنداب؛ نه میوه اش و نه سایه اش بدرد کسی نمیخورد، باید بریده و سوزانده شود.

۱۰ فوریه ۲۰۲۲

**به حزب کمونیست کارگری - حکمتیست**

**کمک مالی کنید!**

## "تهاجم ترکیبی" یا وحشت مرکب خامنه ای؟

وریا روشنفکر

علی خامنه‌ای، در دیدار با فرماندهان نیروی هوایی ارتش گفت: "جبهه دشمن علیه ایران دست به تهاجم ترکیبی یعنی تهاجم اقتصادی، سیاسی، امنیتی، رسانه‌ای و دیپلماسی" زده است. او از مسئولان خواست در برابر این تهاجم در "موضع دفاعی" نمانند و "در زمینه‌های مختلف از جمله رسانه‌ای، امنیتی و اقتصادی" دست به تهاجم ترکیبی بزنند. اما این فرمان جهاد خامنه‌ای به چه معنی است و چرا در این زمان؟

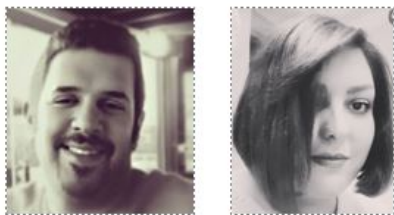
در چند ماه گذشته ماه شاهد افشاگری‌ها و درز اطلاعات و فیلمهایی از زندانهای ایران در قالب هک دوربینها و پخش اسناد طبقه بندی شده و نامه های محرمانه مقامات حکومتی و امنیتی بوده ایم، فارغ از افرادی که این کار را کرده و چگونه توانسته اند به سیستمهای ایران نفوذ کنند و هدفشان چه بوده که الان موضوع بحث من نیست، ضعف سیستمهای دفاعی جمهوری اسلامی و پوشالی بودن تبلیغات "قدرت نظام" و گافهایی چون هک شدن تصویرهای شبکه های تلویزیونی حکومتی، تابلوهای پمپ بنزینها و ... ترسی در دل خامنه ای و دار و دسته حکومتی انداخته است. برگزاری دادگاه یکی از جنایتکاران جمهوری اسلامی؛ حمید نوری در سوئد و شهادت صدها نفر در دادگاه لندن که در میانشان از مقامات امنیتی و نظامی جمهوری اسلامی هم بوده و عنوان این مطلب که "دستور کشتار مردم مستقیم از طرف بیت خامنه ای صادر شده"، بیشتر از هر زمانی عرصه را بر وی تنگ نموده است.

اکنون که به سیاق هر ساله جمهوری اسلامی باید در حال جشن گرفتن دهه فجرش باشد، آشفتنگی، وحشت و سردرگمی تمام ارکان حکومت را فراگرفته است. از یکسو برای روسیه و چین دم تکان میدهند و از سوی دیگر برای قدرتهای غربی عشو می آیند که فقط چند صباحی بیشتر بتوانند در قدرت بمانند.

اما بیابید نگاهی به دستاوردهای ۴۳ ساله حکومت که مد نظر خامنه ایست بندازیم؛ اعدام از ۲۳ بهمن ۵۷ آغاز شد، کشتارهای سال ۶۰، تسویه حساب با چپ و سرکوب دانشگاه ها با عنوان "انقلاب فرهنگی"، هشت سال جنگ بیهوده و ارتجاعی با میلیونها کشته و زخمی و میلیاردها تومان خسارت مالی، قتل و ترور مخالفان سیاسی - قتلهای زنجیره ای - کشتارهای زندانیان سیاسی در سال ۶۷، فقر افسار گسیخته، فحشا، بیکاری، کارتون خوابی، گور خوابی، پشت بام خوابی، ماشین خوابی، کودک کار، قتلهای ناموسی، تحریمهای

**اعدام قتل عمد دولتی است!**





## ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی

### تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کله‌ر

دست به تجمع زدند.

کارگران پروژه‌های شرکت ماشین سازی اراک دست به اعتصاب زدند. شنبه ۱۶ بهمن‌ماه کارگران پروژه‌های شرکت ماشین سازی اراک شاغل در پتروشیمی کیان در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای معوقه‌شان اعتصاب کرده و دست به تجمع زدند.

### اعتصاب و تجمع کارگران کارخانه «سیمان سپاهان»

روز یکشنبه ۱۷ بهمن کارگران کارخانه سیمان سپاهان در اعتراض به عدم رسیدگی به مشکلات‌شان در محوطه کارخانه دست به تجمع زدند.

### جمع اعتراض نیروهای اخراجی مخابرات منطقه خوزستان مقابل شرکت

بیش از ۷۰ نفر از نیروهای مخابرات خوزستان جهت اجرای حکم بازگشت به کار و تبدیل وضعیت، با نامه‌ی دادگستری روز شنبه ۱۶ بهمن مقابل مخابرات منطقه خوزستان تجمع کردند. در پی حضور این نیروها، حراست مجموعه درهای مخابرات منطقه خوزستان را بست و از ورود کارمندان مخابرات به اداره نیز جلوگیری کرد. حدود ۷۰ نفر از نیروهای مخابرات استان خوزستان دو دوره بدون قرارداد زیر نظر شرکت پیمانکار خدمات اول به کار خود ادامه دادند. این کارگران با استناد به تبصره ۲ ماده ۷ قانون کار برای تبدیل قرارداد خود از موقت به دائم، شکایت تنظیم کردند و به نفع خود رأی گرفتند. مطابق رأی که توسط هیأت‌های تشخیص و حل اختلاف صادر شده است؛ این کارگران نیروهای دائم مخابرات به حساب می‌آیند و باید به کار خود برگردند. آن‌ها همچنین حکم اجرایی دادگاه را دریافت کرده‌اند که مطابق قانون کار فرما موظف به اجرای این حکم است. اما شرکت پیمانکار خدمات اول ماه‌هاست از اجرای حکم استنکاف می‌کند.

### تجمع نیروهای شرکتی مخابرات اصفهان در اعتراض به حذف اثر انگشت و اخراج

روز دوشنبه ۱۸ بهمن جمعی از نیروهای مخابرات استان اصفهان در اعتراض به حذف اثر انگشت و اخراجشان مقابل ساختمان این شرکت تجمع کردند. به گفته‌ی این نیروها همان روز جلسه‌ای با حضور مقامات کشوری و لشگری و مدیران مخابرات و همچنین با حضور ویدئوکنفرانسی وزیر ارتباطات پیرامون دستاوردهای مخابرات در این اداره انجام شد و کارگران اخراجی دست به تجمع زدند تا صدای اعتراض خود را به گوش این مسئولین برسانند.

### تجمع کارگران کاغذ پارس مقابل فرمانداری شوش

روز چهارشنبه ۲۰ بهمن کارگران شرکت کاغذسازی کاغذ پارس در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات‌شان مقابل درب فرمانداری شوش

### مرگ کارگر ۳۳ ساله چاه‌کن بر اثر پاره شدن سیم بکسل

این حادثه برای یک کارگر حدود ۳۳ ساله در روستای آران ساوجبلاغ افتاده است که حین استفاده از سیم بکسل با پاره شدن آن سقوط کرد و در نتیجه آن جان خود را در عمق چاه از دست داد.

### مرگ یک کارگر در محله صالح‌آباد شرقی

دو کارگر مهاجر اهل کشور افغانستان در محله صالح‌آباد شرقی، شهرک صنعتی آهن‌مکان بر اثر تماس با گاز مونواکسیدکربن دچار مسمویت شدند. بر اساس اعلام آتش‌نشانی، این کارگران حدود ۱۸ و ۲۱ سال سن داشتند و کارگر ۲۱ سال جان خود را از دست داده است.

### جانباختن یک کارگر اهل روستای ماضی بن سروآباد

یک کارگر اهل روستای "ماضی بن" از توابع "سروآباد مریوان" با هویت توفیق حسینی ۵۵ ساله که برای امرار معاش و کارگری به آفریقا رهسپار شده بود بر اثر سقوط آهن از جرثقیل جانش را از دست داد.

### مصدومیت شدید یک کارگر معدن در نهبندان

صبح روز چهارشنبه یک کارگر در معدن عتبات شاهکوه نهبندان توسط یک دستگاه لودر زیرگرفته و دو پای او قطع شد. کادر درمان عنوان کرده اند که به دلیل آسیب زیاد امکان پیوند عضو نیست. ایران در زمینه رعایت مسائل ایمنی کار در میان کشورهای جهان رتبه ۱۰۲ را به خود اختصاص داده که رتبه بسیار پایینی است.

### واژگونی یک دستگاه دامپتراک معدن مس سونگون

صبح روز چهارشنبه ۲۰ بهمن‌ماه یک دستگاه دامپتراک شرکت آهن آجین در معدن مس سونگون به علت مسیر باربری غیراستاندارد و نایمن واژگون شد که خوشبختانه راننده جان سالم به در برد. بازم عدم نظارت ایمنی شرکت مس و شرکت‌های پیمانکاری ممکن بود به قیمت جان کارگران زحمتکش تمام شود. این درحالیست که رضوی مدیر مجتمع مس سونگون روز گذشته به عنوان چهره نامی و برتر حوزه صنعت و اقتصاد و مسئولیت‌پذیری اجتماعی و فرهنگ سازمانی معرفی شد.

### نصرت بهشتی به زندان احضار شد

بر اساس خبرهای رسیده نصرت بهشتی فعال اجتماعی که پیشتر به اتهام اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی توسط شعبه اول دادگاه انقلاب مشهد به پنج سال حبس محکوم شده بود و با وثیقه یک میلیارد و دو بیست میلیون تومانی جهت درمان بیماری کلیوی خود در مرخصی به سر می‌برد، به زندان احضار شد. شایان ذکر است که

صفحه ۱۰

**کارگر، معلم پیاخیز، برای رفع تبعیض!**

اطلاعات سندج احضار گردید.

## ستون اخبار کارگری

### و حرکتهای اعتراضی ...

بیانیه شورای هماهنگی فرهنگیان ایران علیه احکام زندان و بازداشتها

شورای هماهنگی تشکل های صنفی معلمان در بیانیه ای علیه صدور احکام زندان و بازداشت ها واکنش نشان داده و از جمله در این بیانیه آمده است: "شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران ضمن اعلام انزجار، بیزاری و محکومیت صدور حکم ناعادلانهی چهار سال و نیم زندان برای #جعفر\_ابراهیمی بازرس شورای هماهنگی، بازداشت طولانی مدت #شعبان\_محمدی عضو هیات مدیره ای انجمن صنفی معلمان کردستان، و همچنین بازداشت #محسن\_حسن\_پور خاطر نشان می کند همواره و تحت هر شرایطی از خواسته ها و مطالبات واقعی معلمان، دانش آموزان و اولیا آنان دست نخواهد کشید و مصمم تر از قبل یک بار دیگر تحجری که در صدد از بین بردن و خفه کردن صدای حق طلبانه معلمان است را ناکام خواهد گذاشت و خواهان آزادی #شعبان\_محمدی و #محسن\_حسن\_پور و لغو حکم صادره علیه #جعفر\_ابراهیمی و آزادی تمام معلمان زندانی بوده و در این راه از هیچ تلاشی فروگذاری نخواهد کرد."

\*\*\*

### اطلاعیه مهم

همکاران ارجمند  
معلمان بازنشسته و شاغل

با توجه به شیوع امیکرون و تعطیلی مدارس در اکثر مناطق، تعداد زیادی از همکاران به تشکل های عضو شورا پیشنهاد تجدید نظر در تاریخ اعتراضات و تغییر نوع کنش را داده بودند. خواسته همکاران این بود که کنش اعتراضی تحسن به تجمع تبدیل گردد.

لذا با توجه به این پیشنهادات شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان برنامه تحسن و تجمع هفته آینده یعنی از ۲۳ تا ۲۷ بهمن ماه را لغو و برنامه جایگزین خود را را به شرح زیر اعلام می کند:

### تجمع سراسری معلمان ایران شنبه، ۳۰

### بهمن و سه شنبه، ۳ اسفند

همانگونه که می دانید هیچیک از مطالبات ما تاکنون محقق نشده است و ما بر پای عهد خود با فرهنگیان ایستاده ایم. وعده های پوشالی در عزم و اراده ما خللی ایجاد نخواهد کرد و تا مطالبات بازنشستگان و شاغلان محقق نگردد. ضمن توجه به سایر اشکال پیگیری مطالبات، ما به اعتراضات خود ادامه می دهیم.

شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران

۲۰ بهمن ۱۴۰۰

ایشان در مدت مرخصی به جهت درمان تاکنون سه بار مورد عمل جراحی قرار گرفته اند و کماکان روند درمانی ایشان به پایان نرسیده است. ایشان از نظر جسمانی در شرایط سختی قرار دارند. با این وجود تهدید شده است که اگر ایشان تا تاریخ پنجم اسفندماه خود را به زندان معرفی نکنند ملک وثیقه ای ایشان که در پرونده ثبت شده توقیف می گردد.

### عالیه اقدام دوست بازداشت شد

عالیه اقدام دوست، فعال کارگری روز دوشنبه ۱۸ بهمن ۱۴۰۰ ساعت ۹ بوسیله پلیس امنیت فومن به اتهام "تبلیغ علیه نظام" در خانه ی خودش بازداشت شد. این فعال صنفی که پیشتر از سال ۸۵، ۹ سال در زندان به سر برده هم اکنون در سن ۶۹ سالگی با حکم شعبه ی ۲ دادسرای فومن به نیابت از دادسرای مقدس اوین بازداشت شده است. عالیه اقدام دوست که در حوزه حقوق زنان، معلمان و کارگران فعال است، از بیماری آرتروز و مفاصل زانو رنج می برد.

### عسل محمدی، فعال کارگری به یک سال و ۸ ماه حبس محکوم شد

عسل محمدی، فعال کارگری توسط شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به یک سال و ۸ ماه حبس و دو سال محرومیت از عضویت در دستجات سیاسی و اجتماعی محکوم شد. در صورت تایید این حکم در مرحله تجدیدنظر، ۱ سال زندان برای خانم محمدی قابل اجرا خواهد بود.

### خبات دهدار از فعالین کارگری سندج دستگیر شد

روز سه شنبه ۱۹ بهمن ماه، خبات دهدار از فعالین کارگری و اجتماعی سندج توسط نیروهای امنیتی دستگیر و به مکان نامعلومی انتقال داده شده است. هنوز از دلایل و مکان بازداشت خبات دهدار اطلاعی در دست نیست.

### حضار و بازجویی اقبال شبانی توسط اداره اطلاعات سندج

روز چهارشنبه ۲۰ بهمن ماه اقبال شبانی فعال کارگری و نماینده کارگران خباز سندج توسط اداره اطلاعات این شهر احضار و مورد بازجویی قرار گرفت. در طول این احضار اقبال شبانی توسط مأمورین اطلاعات تهدید به بازداشت شده است.

### احضار رامین کریمی از فعالین کارگری سندج به اداره اطلاعات

روز چهارشنبه ۲۰ بهمن طی تماسی تهدید آمیز رامین کریمی از فعالین کارگری شهر سندج برای روز پنجشنبه ۲۱ بهمن به ستاد خبری اداره اطلاعات سندج احضار گردید.

### احضار عیسی مرادی از فعالین کارگری سندج به اداره اطلاعات

روز چهارشنبه ۲۰ بهمن، عیسی مرادی از فعالین کارگری شهر سندج طی تماسی تلفنی برای روز پنجشنبه ۲۱ بهمن به ستاد خبری اداره

## در روز جهانی زن

### علیه طالبان ها در تهران و کابل!

جنبش آزادی زن و سنت هشتم مارس، میراث گرانبهای جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر است. از کمون پاریس تا انقلاب اکتبر و انقلاب آلمان، از زنان انقلابی و سوسیالیست در آمریکا و انگلستان تا دانمارک و ایران، ستارگان و پرچمداران برابری زن و مرد بر تارک تاریخ می درخشند. تاریخ را کسانی ساخته اند و می سازند که سلطه طبقات دارا و نابرابری بنیادی و استبداد را نپذیرفتند. لئوئیز میشل از کموناردهای مشهور و زنان قهرمان کمون پاریس، وقتی در دسامبر ۱۸۷۱ برای محاکمه در برابر جنایتکاران ششمین شورای جنگی ورسای قرار گرفت، با عزمی پولادین و افتخار گفت: "من دفاعیه ای از خود ندارم و نیز نمی خواهم که کسی از من دفاع کند. من با تمام وجودم به انقلاب اجتماعی تعلق دارم و در همین جا اعلام می دارم که مسئولیت تمامی اعمالم را برعهده می گیرم. تمامی آنها را بدون کوچکترین کم و کاستی!"

اگر در قرن بیست و یکم و در عصر انقلابات تکنولوژیک هنوز تبعیض براساس جنسیت یک مشخصه جوامع کنونی است، تنها بیان این واقعیت ساده است که سرمایه داری آزادی و برابری کامل و بیقید و شرط زن و مرد را نمی پذیرد، چون ستمکشی زن و تحمیل موقعیت فرودست در زندگی فردی و اجتماعی، یک رکن انباشت سرمایه است و نابرابری بنیادی در جامعه سرمایه داری را بازتولید میکند. در نظامی که تبعیض و نابرابری، مالکیت خصوصی، بردگی مزدی، استثمار فرد از فرد و ایجاد شکاف میان آحاد طبقه کارگر رکن اساسی آنست، آزادی زن از انقیاد سیاسی و اقتصادی و فرهنگ و اخلاقیات متحجر سرمایه داری ممکن نیست. کسب برابری حقوقی و تغییرات در قوانین و پیشرفتهای حاصل شده در بخشی از کشورهای جهان، نه از ترقیخواهی بورژوازی بلکه نتیجه مبارزات قهرمانانه زنان و جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر بوده است.

## زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا ایجاد کنید!

در کارخانه ها و محلات شوراها را برپا کنید!

امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

آموزش رایگان برای همگان!

## اعلامیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست در رابطه با

## موج جدید بازداشت و دستگیری فعالین کارگری در کردستان

در ادامه تهدید و فشار نیروهای امنیتی رژیم اسلامی بر فعالین کارگری، در چند روز گذشته عوامل امنیتی در شهرهای کردستان اقدام به بازداشت چندین فعال کارگری نموده اند. همچنان در ادامه این روند روز گذشته شعبان محمدی معلم بازداشتی را از زندان مریوان به سنج منتقل کرده اند.

روشن است این بازداشت ها جهت ایجاد رعب و وحشت در جامعه صورت میگیرد. این اقدامات سرگوبگرانه و اعمال فشار امنیتی جز نفرت و مخالفت بیشتر و عمیق تر با عاملین سرکوب و خفقان نتیجه دیگری ندارد.

کمیته کردستان حزب حکمتیست ضمن محکوم کردن بازداشت فعالین کارگری و معلمین معترض از جمله شعبان محمدی، ریبوار عبداللہی، خبات دهمدار، خبات شکیبیا، آرش محمدی و دیگر بازداشت شدگان در روزهای اخیر مردم شهرهای کردستان و فعالین اجتماعی را به اعتراض به این بازداشتها فرا می خواند.

مرگ بر جمهوری اسلامی

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۱۲ بهمن ۱۴۰۰

آدرسهای تماس با حزب  
کمونیست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب

پروین کابلی

[daftaremarkzy@gmail.com](mailto:daftaremarkzy@gmail.com)

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

[siavash\\_d@yahoo.com](mailto:siavash_d@yahoo.com)

دبیر کمیته مرکزی

جمال کمانگر

[jamalkamangar@yahoo.com](mailto:jamalkamangar@yahoo.com)

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

[hosienzade.r@gmail.com](mailto:hosienzade.r@gmail.com)

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

[sale.sardari@gmail.com](mailto:sale.sardari@gmail.com)

دبیر تشکیلات خارج

نادر شریفی

[sharifi.nader@gmail.com](mailto:sharifi.nader@gmail.com)

مجمع عمومی ظرف ابراز وجود مستقیم و مستمر  
کارگران است!

مجمع عمومی را آگاهانه و بنا به هر نیازی برپا کنید!

جنبش مجمع عمومی را گسترش دهید!

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سر دبیر: سیاوش دانشور

[Siavash\\_d@yahoo.com](mailto:Siavash_d@yahoo.com)

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سر دبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

هفتگی  
کمونیست

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست

کارگری - حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال

آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به کارگران و

دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

زنده باد سوسیالیسم!